

# آخرین سفر شاهنشاه

تحقیقی کوچک، برای موضوعی بزرگ

امیر فیض - حقوقدان

روز بیست و ششم دیماه سال ۵۷ روز سیاهی است که شاهنشاه ایران کشور را ترک کردند. هدف از این تحریر ملاحظاتی، در محور موضوعات زیر است:

- ۱- قصد و نیت شاهنشاه ایران از خروج از کشور چه بوده است؟
- ۲- ابعاد حقوقی خروج شاه از کشور
- ۳- برنامه ریزی برای خروج دائم شاه از ایران چگونه انجام شد

## قصد و نیت شاه از خروج کشور

تشخیص قصد و نیت افراد، وقتی دشوار است که قاصد، بر مستور بودن قصد و نیتش اراده داشته باشد در این حال، اعمال و گفتار شخص قاصد، بآئیت و قصد واقعی او هماهنگ نیست لاجرم، اصل، که رابطه بین عمل و گفتار، با قصد است ملاک تشخیص قرار میگیرد و در اینحال است که قصد و نیت واقعی قاصد، بعدها با رویدادهایی ممکن است مکتشف بشود و یا رازی باشد که راز بماند.

## نقش شاهد در شناخت قصد

اگر قاصد، قصد پرده پوشی و مستور ساختن قصدش رانداشته باشد، روال کار اوبزرگترین قرینه ای است که کاشف قصد و نیت اوست، روال کار، یعنی مقدماتی که فراهم و بکار گرفته میشود تا به قصد، جنبه عملی بدهد. ممکن است در دنیای امروز برای شناخت و ملاحظه مقدمات یک تصمیم کاری، و سائل خاصی وجود داشته باشد ولی در سال ۵۷ که شاهنشاه ایران کشور را ترک کردند هیچ وسیله و ابزاری جز شهادت شهود کارساز نبوده و نیست.

میگویند: «حقیقت دوستداران زیادی دارد ولی یاور زیادی ندارد» یاور حقیقت کسی است که به حقیقت کمک و یاری بدهد که از زیر غبار نادرستی ها، کینه ها، شنیده ها و داستان سازان بیرون آید و متجلی شود شهادت، معمول ترین طریق کشف حقیقت است که بوسیله یاوران حقیقت به قضاوت عامه و تاریخ ادا میشود.

سنگر از همان اوایل مبارزه به دنبال شهادت شاهدان و مطلعین شورش ۵۷ بود و در دیماه سال ۱۳۶۰ مقاله ای مستدل خطاب به ارتشبد عباس قره باغی نوشت: (در آن تاریخ کتاب بحران قره باغی نوشته نشده بود) که عموم فرماندهان نظامی و شخصیت های سیاسی و مطلعین را در بر می گرفت دوسه سطر از آن مقاله به اینجا آورده میشود که بیان کننده موضوع آن است.

«..... این اطلاعات و آگاهی هائی که شما دارید ملک و حق اختصاصی شما نیست، دانسته هائی نیست که از راه تحقیق و مطالعه دستاورد شما باشد اینها مال ملت است که امانت در اختیار شماست چراکه، تحصیل این اطلاعات باعتبار موضوع

قانونی شما بوده است... بنابراین اطلاعات مکتسبه شما، درست همانند اموال اداری، یک مال امانی است که بایستی به ملت مسترد گردد. بایستی ملت از ماهیت و حقیقت آنها مطلع گردد..

این اطلاعات، اساسی است برای رهائی ایران، گواهی است برای شناخت خیانتکاران، دلائلی است برای ارائه و شناخت ریشه های این شورش ضدملی و برگه هائی است برای اثبات دخالت بیگانگان در سیه روزی ایران و ایرانیان و اسنادی است برای تشخیص مردان و نامردان و بالاخره در سیهائی است برای ایران فردا..» (سنگر ۱۰۱)

شهادت، وقتی میتواند مستند قرار گیرد که شاهد، در موقعیتی باشد که ناظر به عمل مورد شهادت باشد، یعنی شهادت از نوع عینی باشد. از آنجاکه شاه بطور کلی در موقعیتی است که نظارت بر اعمال و گفتار او موضع خاصی دارد که خواصی امکان آن ملاحظات را دارند و این خواص در مورد شاهنشاه ایران محدود به چند نفری بیشتر نبود لذا در سال ۶۲ بعد از انتشار مقاله خروج شاه در سنگر شماره ۱۹۰ نامه ای حضور علیاحضرت تقدیم داشتم که استدعا شده بود در مورد تصمیم شاهنشاه به خروج از کشور مطالبی در یکی از مصاحبه هایشان بفرمایند که تحقیق در موضوع خروج شاه از کشور، نیازمندان است. که متاسفانه التفاتی نشد در آن سال تماس با شخصیت هائی که خواص شناخته میشدند مانند سالهای بعد آسان نبود بعد از انتشار مقاله خروج شاه در سنگر، چندین نامه در رابطه با موضوع به سنگر رسید که نقل قول محسوب میشد و جنبه عینی نداشت و برای یک تحقیق مهم، سندی جدی و با اعتبار تلقی نمیگردید بنده هم مطالبی که درباره خروج شاه از کشور بعد از در سنگر هانوشتم بر اساس مدارک منتشر شده بود نه شهادت عینی خواصی که ناظر روال و روند خروج شاه از کشور بودند.

### شهادت عینی قاطع

در اوایل سال ۱۳۷۳ آقای امیر اصلان افشار رئیس تشریفات سلطنت ایران در گفتگوی رادیویی صدای ایران مطالبی درباره خروج شاه از کشور بیان کردند که بمناسبت موقعیت خدمتی ایشان یک شهادت عینی و قاطع گفتگوها محسوب میشود سنگر در همان موقع ضمن تشکر از ایشان که حقایق خروج شاه از کشور را به پیشگاه تاریخ شهادت داده اند شهادت ایشان را منتشر ساخت.

اهمیت و اعتبار انحصاری شهادت ایشان فقط در رابطه با موقعیت اداری ایشان نیست در ارزیابی اعتبار شهادت ایشان باید همسفری باشاه راهم منظور داشت چراکه اگر شخصی قاصد پنهان کردن نیت و قصدش از مسافرت باشد نمیتواند از همسفر خودش، نیت و قصدش را پنهان سازد خاصه که شخص، در مقام و موقعیتی باشد که به حضور همسفرش نیاز داشته باشد.

### محدوده استفاده از شهادت

از آنجا که مصاحبه رادیو صدای ایران باجناب افشار مفصل است و موضوع این تحقیق قصد و نیت واقعی شاه از خروج از کشور است لذا بجای اینکه کل مصاحبه را منتقل کنیم و بعد با نقد آن به هدف تحقیق برسیم تنهابه قسمتهائی از شهادت ایشان که میتواند به حقیقت قصد شاه از خروج کشور کمک کند متوسل میشویم.

### نکته هادر شهادت

#### ۱- تحریکات خارجی

اولین نکته ای راکه شاهد بعنوان مقدمه، لازم به شهادت دانسته <تحریکات خارجی> است و عین عبارت شاهد چنین است:

«البته اطلاع دارید که مخالفان داخلی و خارجی با تحریکات فراوان، بخصوص عرض میکنم تحریکات خارجی وضع کشور را بکلی متزلزل ساخته بودند»

تحریکات خارجی و مداخله آنها در تدارک و حمایت شورش ۵۷ اگر در سال ۵۷ برای همگان برعکس این سالها واقعیتی درک کردنی نبود برای شخص شاهنشاه کاملا روشن بود و مطالبی که از ایشان در دست است آگاهی شاهنشاه را از نقش خارجی بویژه آمریکا کاملا نشان میدهد.

اکنون این سوال رامیتوان مطرح ساخت که نزدیکترین راه برای حل مشکل شورش ۵۷ چه میتواند باشد جز مذاکره با آمریکانیها و آگاه ساختن آنها به خطری که تمام خاورمیانه و جهان را تهدید میکرده است.

اکنون به اتفاق شهادت شاهد رادرمورد قصد سفر شاه به آمریکا می‌شنویم.

## ۲- بیان قصد

«...شاهنشاه بمن فرمودند که مابرای سه ماه به آمریکا میرویم شما هم برای سه ماه چمدان بردارید. سوال کردم همراهان اعلیحضرت چه کسانی هستند فرمودند فقط شما و خاتم پیرنیا. عرض کردم برای استراحت و یامذاکره تشریف میبرید فرمودند: "سفر آمریکا در ایران نمیتواند و یالینکه نمیخواهد حقایق ایران را آنطور که هست به اطلاع مقامات وزارت خارجه آمریکا برساند بدین جهت من میخواهم خودم بروم بامقامات موثر آمریکا مثل کارتر، مجلس سنا و مقامات ارتش و باینها مذاکره کنم شاید آنها سرعقل بیایند و راه حل منطقی سیاسی پیدا شود." سفیر آمریکا هم در این موقع شرفیاب شد عرض کرده بود شما میتوانید به آمریکاییان روز و روز به واشنگتن هم حتی معلوم شدوما هم قبلا چمدان ها را به آمریکا فرستادیم و اعلیحضرت هم حاضر شدند که برویم اما چند روز قبل از اینکه از تهران پرواز کنیم کارتر بوسیله سفیر آمریکا پیشنهاد کرد که بهتر است اعلیحضرت همراه به آمریکا یک مسافرتی هم به مصر بکنند و در مذاکرات فوراً رئیس جمهور آمریکا و سادات شرکت کنند»

شاهد، به مصاحبه کننده این توضیح راداده است:

«البته اطلاع دارید که یکی از بنیان گذاران صلح کمپ دیوید و صلح مصر و اسرائیل حقیقتاً شاهنشاه ایران بودند سادات چندین بار بطور محرمانه و بدون تشریفات به تهران آمد و با شاهنشاه مذاکره کرد و اعلیحضرت هم به ایشان گفتند که شما باید با اسرائیل صلح کنید بخاطر اینکه تنهائری که کشورهای عربی از جنگ با اسرائیل میبرند شما نیستید»

ادامه شهادت شاهد باین جمله ختم شده است: «خلاصه این بود که شما بیایید در برنامه کمپ دیوید و در مذاکره شرکت کنید تا از نظرتان درباره صلح مصر و اسرائیل استفاده شود و این جمله ای بود که سالیوان به عرض شاه رسانید»

## قرآن در جهت تائید شهادت

نظریه اینکه محور شهادت شاهد محترم بر صلح اسرائیل و مصر است تحقیق، لازم میبیند که در اطراف اصالت آن تفحصی داشته باشد.

معلوم قضیه در این قسمت از تحقیق این است که بمناسبت روابط ایران با کشورهای عرب مسلمان روابط سیاسی رسمی بین ایران و اسرائیل برقرار نبوده است و لذا تلاشهای شاهنشاه ایران نمیتوانسته در مجرای مطبوعات و آگاهی عامه قرار گیرد اما یادداشتهای روزانه علم اشاراتی دارد که نگاه به برخی از آنان به اصالت بافتهای این تحقیق کمک میکند.

۱- در یادداشتهای علم میخوانیم - قرار بود امروز صبح شاه اسحق رابین نخست وزیر اسرائیل رابحضور بپذیرد. من کلیه ترتیبات لازم رادادم ارتشید نصیری رابه استقبال او بفرودگاه فرستادم و به گارد دستور دادم که چطور او را بدون سوء ظن به کاخ بیاورد و حتی خدمتکاری راکه برای خدمتش انتخاب کردم آدمی بود که حماقتش حدی نداشت و محال بود که بتواند رابین رابشناسد حتی احمقها هم گاهی بدرد میخورند. برغم علاقه رابین به دیدن من، خودم رانشان ندادم اگر شاه میخواست من آنجا باشم خودش بمن میگفت. شاه بمن گفت رابین قول داد که هرکاری که از دستش برمیاید بکند تا بتفاهمی بامصر دست یابد و از شاه خواست که از هرگونه ابتکاری آمد آن حمایت کند.

- ۲- درنوشهر پیامی از هنری کسینجر تقدیم شاه کردم که به شاه اطلاع میداد مذاکرات بین مصرو اسرائیل باموفقیت به پایان رسیده است شاه بمن دستور داد که از سفیر اسرائیل بخواهم که تیریکات مارابه اسحق رابین برساند.
- ۳- بانماینده اسرائیل ملاقات کردم بمن گفت قرار است اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل جمعه آینده برای شرفیابی حضور شاه بتهران بیاید.
- ۴- کسینجر در راه بازگشت از خاورمیانه در زوریخ توقف کرد فقط بدین خاطر که بدیدن شاه برود. نماینده سازمان سیا در تهران محرمانه بمن گفت: مذاکرات اخیر شاه با پرزیدنت سادات چاره جوئی برای طرح ابتکاری توسط کسینجر بوجود آورد (سال ۱۳۵۴)

## ادامه شهادت

در ادامه شهادت شاهد آمده است:

«از آنجاکه تماس ما با سفارت ایران در قاهره بعلت اعتصابات سرویسهای اطلاعاتی مشکل بود سفیر امریکا با تماس با سفارت خودشان در قاهره بما اطلاع داد که <حسنى مبارک گفته است که پس فردا ساعت دو بعد از ظهر در اسوان منتظر اعلیحضرت است>»

## جستجو در علت تغییر روز حرکت شاه

در اولین جلسه شورای سلطنت که با حضور شاهنشاه تشکیل گردید بختیار استدعا کرد که مسافرت اعلیحضرت به بعد از رای اعتماد مجلس به دولت بختیار صورت گیرد و اعضای شورای سلطنت و شاه هم موافقت کردند.

از آنجاکه روز دوشنبه ۲۵ دیماه مجلس سنا روز ۲۶ دیماه مجلس شورای ملی تشکیل و به دولت بختیار رای اعتماد دادند لذا علی القاعده مسافرت شاه باید بروز بعد یعنی روز بیست و هفتم دیماه همان سال یعنی ۵۷ موکول شود خاصه که در صورت جلسه شورای سلطنت روز مسافرت شاه به خارج ۲۷ دیماه ثبت شده است، در حالیکه می بینیم تاریخ مسافرت شاه به خارج روز ۲۶ دیماه صورت گرفته است، آنهم صبح و قبل از رای اعتماد مجلس، اعلیحضرت در فرودگاه بوده اند.

این تغییر تاریخ مسافرت شاه از روز ۲۷ دیماه به ۲۶ دیماه سوء تفاهات و بدبینی ها و برداشتهای نادرستی را بجا گذارده است که این تحقیق نمیتواند به علت تغییر تاریخ مسافرت شاه بی توجه بماند زیرا هم پاسخ بدبینی ها و سوء تعبیرهاست و هم به اصالت قصد و نیت شاه در مسافرت به خارج کمک میکند.

در شهادت شاهد، آقای امراسلان افشار دیدید که سفیر امریکا پس از تماس با سفارت امریکا از قول حسنى مبارک که معاون سادات بود اطلاع داد که رئیس جمهور مصر آقای انور سادات روز ۲۷ دیماه ساعت دو بعد از ظهر در اسوان منتظر اعلیحضرت است. بنابراین تاریخ تعیین شده از طرف انور سادات، نمیتوانست با حرکت شاه در روز بیست و هفتم که قرار شورای سلطنت بود موافق باشد ولی اینجا این سوال مطرح میشود که آیا درخواست بختیار به اینکه حرکت شاه به خارج بعد از رای اعتماد مجلس به دولت باشد نادیده گرفته شده است؟

پاسخ وقایع این است که خیر شاه در فرودگاه پس از اطمینان از رای اعتماد مجلس به دولت بختیار و شرفیابی بختیار نخست وزیر و گفتگوهای لازم مسافرتشان آغاز شد.

## تعبیر علت مسافرت به استراحت

تا آنجا که آرشیو سنگرنشان میدهد در هیچ سندی حتی با اعتبار کم که از شورش ۵۷ باقی است و یا نقل قولها از شخصیت های ذیربط نشانه ای از نیت واقعی شاهنشاه به مسافرت به خارج از کشور دیده نمیشود و هر جا هم که پای علت به میان آمده شاهنشاه علت را لزوم استراحت عنوان میکردند.

تنها اشاره ای که قبل از شهادت آقای اصلان افشار وجود دارد اظهارات عباس قره باغی است که در کتابش اینطور نوشته است:

>>وقتی وارد دفتر شدم اعلیحضرت مشغول قدم زدن بودند و ناراحت بنظر میرسیدند بعد از گزارش مسائل فوری و عادی بر حسب معمول صحبت به مسافرت کشیده شد، عرض کردم با توجه به اخبار روزنامه ها و شعرا هائیکه بطور مداوم در تظاهرات و راهپیمانی ها بر علیه مقام سلطنت داده میشود بنظر میرسد که در صورت مسافرت نمیتوان امیدی به مراجعت داشت یکمرتبه اعلیحضرت برخلاف همیشه فرمودند:

«شما که در جریان همه کارها نیستید برنامه و طرحی وجود دارد، شما که همه مطالب را نمیدانید» و مطابق موافقی که نمیخواستند بحث ادامه یابد

فرمودند مطلبی نیست.<<

این طرح و برنامه چه و کدام بوده است که شاهنشاه نخواست به بارنیس ستاد ارتش در میان بگذارد و چرا شاه همان علت مسافرت را که استراحت عنوان میکردند در مقابل درخواست رنیس ستاد نفرمودند.

طرح و برنامه شاه برای مسافرت به آمریکا موضوع سیاسی بود نه نظامی که لازم باشد بارنیس ستاد در میان گذاشته شود و انگهی استراحت و اژه معمول و محترمی در بین نظامیان نیست.

### موضوع ایران سیاسی است نه نظامی

در اسناد سیاسی و اظهار نظر شخصیت های سیاسی خارجی راجع به جریانات ایران اتفاق نظر وجود داشت که مسئله ایران یک مسئله سیاسی است نه نظامی شاهنشاه هم در کتاب پاسخ به تاریخ به این نکته اشاره کرده اند و سفیر انگلستان <پارسونز> هم به سیاسی بودن جریان ایران اظهار نظر کرده است.

مقصود از سیاسی بودن موضوع ایران هنگامیکه این مطلب از دهان شخصیت های سیاسی بیرون میاید چیست؟ معلوم است که مشکلات و مسائلی است که حل و رفع آن میتواند به ناهنجاری هائی که ایران با آن روبرو شده است پایان دهد.

شاهنشاه ایران بخوبی آگاه بودند که آنچه در ایران میگذرد ناشی از تحریکات آمریکا و انگلستان است، که تحریکات مزبور ناشی از بالا رفتن قیمت نفت و بیشتر سیاست مستقل نفی ایران است که یکسال قبل از شورش اتخاذ گردید و بدین طریق از کنسرسیون نفت خلع ید کامل و اساسی شد.

بنابراین طرح و برنامه شاه در حرکت به آمریکا اقدام به اموری بود که سیاسی شناخته میشد و فاش کردن آن نه در عرف بین المللی مرسوم است و نه موفقیت در آن اجازه علنی بودن آنرا میدهد از آنجا که شاه میدانست علت تحریکات خارجیان علیه امنیت ایران شرکت های نفتی و آسیب های وارده به آنهاست شاه میخواست که راه حلی برای این مشکل با آنها در میان بگذارد.

این کار یعنی مذاکره شاه با سران کشورهای در رابطه بانفت بی سابقه نبوده است و سابقه آن آنجاست که زمانی که قیمت نفت در اوپک افزایش یافت و جهان شاه ایران را عامل اصلی و نگرانی جهان از بالا رفتن قیمت نفت دانست، شاهنشاه ایران در ملاقات با کارتر قول کنترل قیمت نفت را داد و بهمان ترتیب هم عمل کرد (کتاب سالیوان ماموریت در ایران ۸۸)

**حاشیه** در اظهارات پارسویز و شخصیت های سیاسی انگلیسی، سیاسی بودن آشوب های سال ۵۷ ایران مفهوم دیگری هم داشت و آن حضور آمریکا در ایران بود که برای انگلستان غیر قابل تحمل شده بود. انگلستان منتظر فرصتی برای اقدام علیه رژیم سلطنتی ایران بود که آن فرصت باروی کار آمدن کار تریبی عقل فراهم گردید. (پایان حاشیه)

## آگاهی از براندازی

شاهنشاه ایران دقیقاً به آنچه زیر پرده و حقیقت سیاست آمریکا و انگلستان نسبت به ایران تدارک شده بود آگاه بودند در این مورد والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در کتابشان نوشته اند:

>>...در آخرین مذاکره ای که بابرادم داشتم وی به خود اجازه داد که آزاد تر سخن بگوید؛ او با صدائی مطمئن گفت:

« ترکیب عجیبی از نیروها، ایران رابه ویرانی کشاند از یکسو اتحاد غیر طبیعی کمونیستها و ملایان و از سوی دیگر رسانه های عمومی، کمپانی های نفتی و برخی محافل آمریکائی و انگلیسی در تمام دوران سلطنت من هروقت که غرب لازم میدید که بالهای مرابه چنید دانشجویان و مطبوعات بین المللی به شعارهای ضد ایرانی پرداخته اند در سال ۱۳۵۷ غرب خواهان سقوط من شد من بایستی از سخنان قشنگ آنها پرهیز میکردم...<< (تسلیم ناپذیر ۶۹)

## توطئه آمریکا

در شهادت شاهد و قرآن همراه آن بانیت و قصد شاه به مسافرت به آمریکا و مذاکره در مورد مشکلات جاری خاصه نفت آگاه شدید و ملاحظه داشتید که سالیان سفیر آمریکا در جهت نیت شاه یعنی سفر به آمریکا فعال بود موافقت با ورود شاه به آمریکا داده بود با سفارت آمریکا در مصر برای ملاقات شاه با انور سادات و حضور در اجلاس کمپ دیوید صحبت کرده بود و خود سالیون بود که روز و ساعت ملاقات با انور سادات رابه اطلاع شاه رسانده بود و شاه هم برای رعایت قرار ملاقات یک روز زودتر آغاز به مسافرت کردند.

ولی پس از آنکه چند روزی از اقامت شاه در قاهره گذشت کارتر به شاه اطلاع میدهد که نمیتواند به آمریکا بیاید چنانکه در کتاب خاطرات کارتر نوشته شده :

دولت آمریکا برای حفظ آمریکائی هائی که هنوز در ایران بودند ترجیح میدهد که شاه به ایالات متحده نیاید

بموازات عزیمت شاه از کشور ستون پنجم آمریکا و انگلیس و فرانسه بر شدت عمل خود افزودند و ارتش راه بیطرفی را برگزید و بیش از همه بختیار نخست وزیر مجلس را در جریان قرار داد که عملاً بازگشت شاه را غیر ممکن میساخت.

برخی راعقیده بر این است که چون کارتر میدانست که حضور شاه در آمریکا و ملاقات با شخصیت های نظامی مانع موفقیت آمریکادر انجام طرح براندازی رژیم سلطنتی ایران است مانع عزیمت شاه به آمریکا گردید. ولی مراتب تحقیق ثابت میکند که قصد کارتر از اول خروج شاه از کشور بود و درخواست اقامت کوتاه مدت در مصر ببهانه شرکت در گفتگوهای کمپ دیوید فقط یک فریب و توطئه بود.

آیا شاه میتواند درخواست کارتر را برای شرکت در کمپ دیوید نپذیرد و مستقیماً به آمریکا برود مسلماً خیر مقصود از این اشاره این است که طرح فریب آمریکا غیر قابل رد و مقاومت بود.

برخی عدم موافقت شاه را با پیشنهاد دکتر صدیقی مبنی بر عدم مسافرت به خارج و قبول نخست وزیری علاقه شاه رابه ترک ایران گرفته اند، این دریافت درست نیست زیرا شاه میدانست که منشاء تحریکات، خارجیان و شرکتهای نفتی اند و مسئله باید از طریق مذاکرات حل شود و قبول شرط آقای دکتر صدیقی بمنزله ازدست دادن طریقه ای بود که میتواند مشکل ایجاد شده راحل کند و این بدان معنی است که مشکل کشور در عدم وجود دکتر صدیقی نیست بلکه مسائل سیاسی حدود سه دهه

است که آمریکاجای انگلیس رادرایران گرفته است و شرکتهای نفتی با ایجاد نگرانی برای دولتهای متبوع خود به این آتش دامن میزنند.

برخی بیانات شاه رابه اینکه سفیر آمریکا مرتب به ساعتش نگاه میکرد و میگفت >هرچه زودتر عزیمت کنید بهتر است< راملاک گرفته و میگویند سفیر آمریکابرای حفظ جان شاه، شاه راترغیب به خروج از ایران میکرد - این برداشت هم بسیارخام است، آخرین ملاقات سفیر آمریکا باشاه در همان روز وتاریخی بوده است که پیام حسنی مبارک مبنی برانتظارانورسادات رادرساعت دو بعدازظهر در اسکندریه به شاه داده است بنابراین باتنگی وقت، نگاه کردن سفیر آمریکا به ساعت یک امر معمول و بمعنی توجه دادن به گذشت وقت است.

### نتیجه این تحقیق

قصد ونیت شاهنشاه ایران ترک ایران نبود بلکه مسافرت به آمریکابرای حل مشکلات ایران بود که میدانست ودیگران هم میدانستند که طریق حل آن سیاسی است نه نظامی.

آمریکا بابرنامه ریزی وفریب کاری، سفر شاه به آمریکا را به بهانه شرکت در کنفرانس کمپ دیوید مانع شد تادرغیاب شاه ارتش فلج وکشوربرای پیروزی شورشیان مذهبی وجناح آمریکانی شورش بدون مانع گردد واین کمک وبرنامه ریزی آمریکا در حدی عیان بود که >بازرگان گفت اگر حمایت وکمک آمریکانبود ما پیروز نمیشدیم< ویادمان باشد که خمینی هم گفته بود >تاشاه در ایران هست به ایران نخواهد آمد<

قسمت اول این تحقیق در اینجا پایان مییابد وقسمت دوم که ابعاد حقوقی خروج شاه ازکشور است به تحریر آتی موکول میشود.